



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د، ۸، ش ۷ (پیاپی ۴۲)، ویژه‌نامه زمستان ۱۳۹۶، صص ۲۹-۵۱

بررسی فرایند تکرار کامل در زبان فارسی: پژوهشی بر اساس نظریه تکرار صرفی

محمد دبیرمقدم^{۱*}، سیما ملکی^۲

۱. استاد زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

پذیرش: ۹۶/۲/۱۶

دریافت: ۹۵/۱۰/۱۵

چکیده

تکرار صرفی فرایندی است که همواره از مسائل بحث‌برانگیز زبان‌شناسی بوده و مطالعات مختلف در زبان‌های گوناگون و رویکردهای متفاوت را در این حوزه در پی داشته است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و سعی بر آن بوده است که فرایند تکرار کامل در زبان فارسی را از دیدگاه نظریه تکرار صرفی (S. Inkelas & C. Zoll, 2005) بررسی کند و بیازماید از دو رویکرد کپی‌سازی واجی^۱ و تکرار صرفی^۲ کدام یک کارآمدتر است. همچنین شکل‌گیری فرایند تکرار کامل در چهارچوب نظریه تکرار صرفی قابل تبیین است یا خیر. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که می‌توان انواع فرایند تکرار کامل در زبان فارسی را با توجه به الگوی خاص و معنای برداشت‌شده از آن‌ها در نظریه تکرار صرفی تبیین و توجیه کرد. این در حالی است که فقط تکرار جزئی^۳ پیشوندی و پسوندی را می‌توان با استفاده از رویکرد کپی‌سازی واجی تحلیل کرد. با توجه به تحلیل داده‌ها، نظریه تکرار صرفی کارآمدتر از نظریه کپی‌سازی واجی است.

واژگان کلیدی: تکرار کامل، نظریه تکرار صرفی، نظریه کپی‌سازی واجی، تکرار جزئی، زبان فارسی.

۱. مقدمه

تکرار نوعی فرایند واژه‌سازی است که در آن بخشی از واژه و یا کل آن تکرار می‌شود. این فرایند در بیشتر زبان‌های دنیا از رایج‌ترین فرایندهای واژه‌سازی به‌شمار می‌آید و از مسائل بحث‌برانگیز زبان‌شناسی بوده که طی سال‌های اخیر توجه بسیاری از زبان‌شناسان را جلب کرده است. از طرفی، شباهت آوایی وند مکرر با پایه آن را در حیطه مطالعات واج‌شناسی قرار می‌دهد و از طرف دیگر، نقش صرفی آن در واژه‌سازی آن را نمونه‌ای از فرایندهای صرفی قلمداد می‌کند (سلندری، ۱۳۹۵: ۲). تکرار از حیث ساخت، به دو نوع تکرار کامل و تکرار جزئی تقسیم می‌شود: در تکرار کامل، یک سازه (واژه یا گروه نحوی) تکرار می‌شود؛ اما در تکرار جزئی، قسمتی از کلمه پایه تکرار می‌شود (شقاقی، ۱۳۷۹: ۵۲۵، ۵۲۸).

پژوهش حاضر صرفاً به فرایند تکرار کامل در زبان فارسی، در سه زیرگروه تکرار کامل نافزوده، تکرار کامل افزوده و تکرار کامل پژواکی، بر اساس طبقه‌بندی حیدرپور (۱۳۹۰) و در چهارچوب نظریه تکرار صرفی می‌پردازد. پس از توصیف و معرفی نظریه تکرار صرفی اینکلاس و زول (۲۰۰۵)، داده‌هایی از زبان فارسی و نحوه شکل‌گیری آن‌ها در چهارچوب نظریه تکرار صرفی بررسی می‌شود. پرسش این پژوهش آن است که از دو رویکرد کپی‌سازی واجی و تکرار صرفی کدام یک کارآمدتر است و فرایند تکرار کامل تا چه میزان می‌تواند بر اساس الگوهای نظریه تکرار صرفی قابل تبیین باشد. بر اساس بررسی‌های پیشین، فرض تحقیق بر این است که فرایند تکرار کامل را می‌توان در چهارچوب نظریه تکرار صرفی تحلیل کرد. داده‌های این پژوهش از گفت وگوهای روزمره مردم و آثار موجود در حوزه صرف زبان فارسی به‌ویژه پژوهش‌های شقاقی (۱۳۷۹) و حیدرپور (۱۳۹۰) استخراج شده است و به سه گروه تکرار کامل نافزوده، تکرار کامل افزوده و تکرار کامل پژواکی دسته‌بندی شده‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

اغلب دست‌نویسان ایرانی ازجمله همایون‌فرخ (۱۳۳۹)، مشکور (۱۳۴۹: ۲۲-۲۳)، نوبهار (۱۳۷۲: ۲۰۴-۲۰۶) و انوری و گیوی (۱۳۷۰: ۱۳۹-۱۵۵) در مطالعه زبان فارسی فرایند تکرار را در قالب نوعی واژه مرکب در مقوله اسم، صفت، قید، صوت و اسم صوت بررسی کرده‌اند.

به اعتقاد همایون‌فرخ (۱۳۳۹: ۴۱۹)، صفات مرکب دوگانه یا تکراری صفاتی هستند که از تکرار دو اسم عام یا سازه دیگر- که پشت‌سرهم تکرار می‌شوند- ساخته می‌شود؛ مانند خم‌خم و پیچ‌پیچ. گاهی بین آن‌ها «به»، «در» و یا «الف» الحاق می‌آورند؛ مانند پیکربه‌پیکر، سال‌به‌سال، پیچ‌درپیچ، تودرتو، رنگارنگ و گوناگون و آن‌ها را صفت تأکیدی می‌نامند.

کلباسی (۱۳۷۱: ۶۶) در کتاب *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*، دو نوع ساخت مکرر و اتباع را بررسی کرده است. وی در تعریف «مکرر» می‌گوید: مکرر به گروهی از کلمات مرکب اطلاق می‌شود که در آن‌ها کلمه‌ای با عنصر پیونددهنده «و» /O/ یا بدون آن عیناً تکرار می‌گردد. او با ذکر مثال، اتباع را تقسیم‌بندی کرده است.

شقاقی (۱۳۷۹: ۵۲۵) تکرار در زبان فارسی را از حیث کامل و ناقص بودن بررسی کرده است. وی در مورد ویژگی‌های معنایی این ساخت اشاره می‌کند که ساخت تکرار در زبان فارسی، برای صورت‌بندی مفاهیمی چون تأکید، افزایش، شدت، تداوم، انبوهی، بی‌شماری و جنس و قسم به‌کار می‌رود و گاهی علاوه‌بر معنی پایه، مقوله را نیز تغییر می‌دهد. شقاقی و حیدرپور (۱۳۹۰) فرایند تکرار را بر پایه رویکرد نظریه بهینگی در واژه‌های مکرر فارسی تحلیل کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که با مرتبه‌بندی محدودیت‌های جهانی مطرح در نظریه بهینگی، می‌توان ساخت انواع فرایند تکرار در زبان فارسی را با توجه به الگوی خاص و معنای برداشت‌شده از آن‌ها تبیین کرد.

خان‌جان و علی‌نژاد (۱۳۸۹) ویژگی‌های نحوی و معنایی فرایند مضاعف‌سازی کامل در زبان فارسی را بر اساس نظریه دوگان‌سازی صرفی بررسی کرده‌اند. ایشان در توصیف و تبیین مضاعف‌سازی ساخت‌واژی، تحلیل خود را صرفاً به سطح واژه منحصر نمی‌کنند و واحد-های زبانی پیچیده‌تر را نیز تحت پوشش قرار می‌دهند. آن‌ها سرانجام به این نتیجه می‌رسند که برخی از الگوهای این فرایند از حیث ویژگی‌های معنایی، روش تحلیلی الگوی دوگان‌سازی صرفی را به‌چالش می‌کشند.

غفاری (۱۳۹۰) درباره فرایند تکرار در زبان ترکی مطالعه کرده است. وی انواع تکرار را با الگوی پیشنهادی اینکلاس و زول (۲۰۰۵)، بر داده‌های زبان ترکی اعمال کرده و به این نتیجه رسیده است که فرایند تکرار در زبان ترکی، فرایندی معنایی است. غفاری رویکرد صرفی را به رویکرد واجی ترجیح داده است.

سلندری و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «تکرار به مثابه دوگان‌سازی صرفی: شواهدی از زبان فارسی»، با در نظر گرفتن دو دسته شواهد معنایی و واژآرایی، داده‌هایی از زبان فارسی را در چهارچوب نظریه دوگان‌سازی صرفی بررسی کرده و تأکید کرده‌اند که امکان توصیف شکل-گیری تکرارهای زبان فارسی در چهارچوب نظریه دوگان‌سازی صرفی وجود دارد.

امینی (۱۳۹۳) به دوگان‌سازی در زبان ترکی، به‌ویژه گونه‌ای از دوگان‌سازی ناقص پرداخته است. وی در ارتباط با پرسش نخست پژوهش به این نتیجه رسیده است که دوگان-سازی کامل در زبان ترکی و دوگان‌سازی دستور سنتی زبان فارسی (=اتباع) عملکردی مشابه دارند. او همچنین فرمول‌هایی برای تبیین فرایند دوگان‌سازی ناقص ارائه کرده است.

گلفام و قمشه‌ای (۱۳۹۱) ویژگی‌های معنایی دوگان‌ساخت‌های زبان فارسی را در چهارچوب نظریه تصویرگونگی بررسی کرده و آن‌ها را بر اساس ویژگی‌های معنایی مشابه و همگون با سایر زبان‌ها طبقه‌بندی کرده‌اند. آن‌ها همچنین از ارتباط میان دوگان‌ساخت‌ها با معانی و مفاهیم آن در زبان‌های مختلف سخن گفته‌اند.

غنی‌آبادی (۲۰۰۵) فرایند تکرار بازتابی^۵ (پژواکی) در زبان فارسی را در چهارچوب نظریه بهیئگی تحلیل کرده است. وی به نمونه‌هایی مانند کتاب‌متاب و میوه‌پیوه اشاره می‌کند که در آن‌ها واحدهای واجی /m/ و /p/ جانشین همخوان آغازین در واژه مکرر می‌شود و به این ترتیب همسانی واجی به هم می‌خورد. غنی‌آبادی و همکاران (۲۰۰۶) نیز با بررسی سه نوع متفاوت از فرایند تکرار در زبان فارسی (بازتابی، تأکیدی و مبین بی‌تفاوتی) استدلال می‌کنند که تمام این الگوها مؤید نظریه دوگان‌سازی صرفی‌اند.

۳. مبانی نظری

۳-۱. رویکردهای مطرح در فرایند تکرار

دو رویکرد «کپی‌سازی واجی» و «تکرار صرفی» در مقوله تکرار به چشم می‌خورد:

۳-۱-۱. رویکرد کپی‌سازی واجی

این رویکرد که از طرف مارانتز (۱۹۸۲) مطرح گردیده، فرایندی واجی است که در آن، واحدهای

واجی یا سازه‌های وزنی تکرار می‌شوند و قسمت تکرار شده هیچ هویت صرفی و معنایی مستقلی ندارد. این رویکرد معتقد است فرایند تکرار، چه از نوع جزئی و چه کامل، مشتمل بر وندافزایی یک تکواژ واجی است. در واقع، جزء مکرر وندی است که ویژگی‌های واحدهای واجی پایه بر روی آن کپی می‌شود. به‌نظر مارانتز، در تکرار کامل با یک تکواژ آوایی فاقد معنی مواجه هستیم. در تکرار جزئی نیز جزء مکرر یک تکواژ تهی‌آزمعنی است، یعنی کپی تعدادی از واکه‌ها و همخوان‌های ریشه است. تکواژ تهی‌آزمعنی می‌تواند مواردی مانند تغییر یا افزایش همخوان یا واکه، تعداد هجا و پیشوند یا پسوندی از پایه ساخت تکرار باشد.

تکرار از دیدگاه کپی‌سازی واجی با یک جزء مکرر شکل می‌گیرد و این جزء مکرر مشخصات واجی عنصر مجاورش را کپی می‌کند. یکی از نظریه‌های موجود در کپی‌سازی واجی، نظریه مطابقت پایه و جزء مکرر^۷ است. این مطابقت باید از لحاظ واجی باشد، زیرا به‌نظر مکاریتی و پرینس^۸ (۱۹۹۵)، تکرار در عناصری مانند مورا، هجا و گام انجام می‌گیرد (نک: Inkelas & Zoll, 2005: 2-4). متیوس^۹ (1991: 131-133) دو ویژگی برای فرایند وند-افزایی برمی‌شمرد (نک: شقاقی، ۱۳۷۹: ۵۲۲):

۱- صورت حاصل از فرایند وندافزایی متشکل از یک پایه و تکواژی است که به آن افزوده شده است.

۲- وند یا جزء افزوده‌شده صورت ثابتی دارد و در تمامی موارد، هنگامی که به پایه‌های مجاز یا محتمل متصل شود، صورت نامتغیری خواهد داشت.

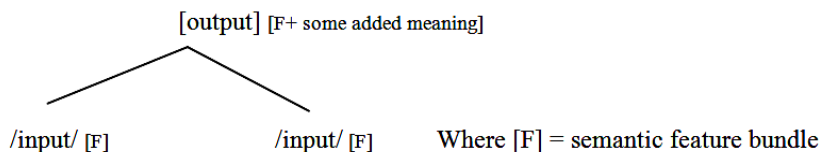
وی به نوع دیگری از واژه‌سازی در برخی از زبان‌ها اشاره می‌کند که بسیار شبیه وندافزایی است، اما با وندافزایی‌های معمول، به‌ویژه با ویژگی دومی که متیوس برای وندافزایی عنوان کرد، مطابقت نمی‌کند. زبان‌شناسان این فرایند را «تکرار» می‌دانند. به‌اعتقاد اسپنسر^{۱۱} (1991: 13, 151)، در فرایند تکرار عنصری به پایه افزوده می‌شود که پایه در تعیین شکل و صورت آن نقش دارد. در این فرایند، تمام یا بخشی از پایه در سمت چپ یا راست و یا گاهی در وسط پایه تکرار می‌شود؛ از این رو، در زبان‌های گوناگون، فرایند تکرار کامل یا تکرار جزئی پیشوندی، پسوندی و میانی دیده می‌شود که در آن جزء مکرر شکل ثابتی ندارد و کپی بخشی از پایه‌ای است که به آن متصل می‌شود.

زبان‌شناسان از مطالعه زبان‌های مختلف به این نتیجه رسیده‌اند که فرایند تکرار علاوه‌بر

اینکه انواع گوناگونی دارد، برای بیان مفاهیم مختلف نیز به کار می‌رود. این فرایند می‌تواند کل یک واژه، تکواژ، یک هجا یا توالی هجاها و یا زنجیره‌ای از چند همخوان و واکه را تکرار کند و در مجموع معنایی را به پایه بیافزاید.

۲-۱-۳. رویکرد تکرار صرفی

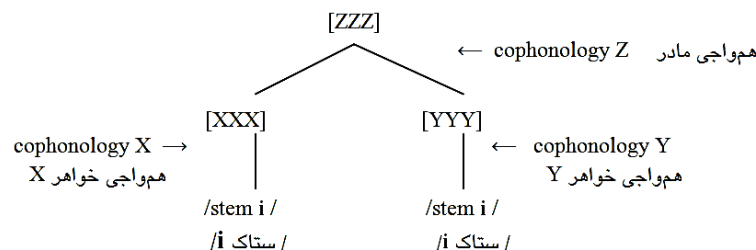
اینکلاس و زول (2005: 2) رویکرد تکرار صرفی را معرفی کرده‌اند که در آن، دو مجموعه از ویژگی‌های نحوی-معنایی انتزاعی برجسته است. در این فرایند، همسانی معنایی مهم‌تر از همسانی واجی است؛ پس امکان تحلیل الگوهای تکرار بیشتری وجود دارد. الگوی ساخت تکرار در نظریه تکرار صرفی به شکل نمودار زیر است:



نمودار ۱. الگوی ساختاری نظریه تکرار صرفی (Inkelas & Zoll, 2005: 7)

Chart 1. Structural pattern of morphological reduplication theory
(Inkelas and zoll, 2005:7)

در الگوی مذکور، درون‌دادها که مشخصه‌های صرفی-معنایی همسانی دارند، با هم ترکیب می‌شوند تا مؤلفه معنایی بزرگ‌تری را برای برون‌داد به‌دست دهند، لیکن ضرورتی برای شباهت واجی این ساخت‌ها وجود ندارد. بدین ترتیب الگویی که اینکلاس و زول در نظریه تکرار صرفی ارائه می‌دهند عبارت است از: «مجموعه مشخصه‌های معنایی درون‌داد به اضافه نوعی افزوده معنایی» (Ibid: 6-7). آن‌ها معتقدند هر یک از عناصر درون‌داد و برون‌داد می‌توانند تغییر واجی مخصوص به خود را داشته باشند. تغییرات واجی هر یک از اجزای این عناصر را در واج‌شناسی صرف‌بنیاد^{۱۲}، «هم‌واجی»^{۱۳} می‌نامند. در واقع تعامل این سه عنصر هم‌واجی است که تغییرات واجی برون‌داد را رقم می‌زند (Ibid: 6-7, 19). الگوی واجی تکرار در نظریه تکرار صرفی در نمودار زیر ارائه شده است:



نمودار ۲. الگوی واجی تکرار در نظریه تکرار صرفی (Inkelas & Zoll, 2005: 19)

Chart 2. Pattern of phonological reduplication in morphological reduplication theory (Inkelas and zoll, 2005:19)

در این الگو، ستاک‌های /i/، یعنی درون‌دادهایی که همسانی معنایی دارند، در انگاره واجی تکرار تحت عملکرد همواجی‌ها قرار می‌گیرند و به صورت [XXX] و [YYY] ظاهر می‌شوند. با در کنار هم قرار گرفتن درون‌دادهای، برون‌داد، یعنی [ZZZ] شکل می‌گیرد؛ بنابراین در برون‌داد نیز احتمال اعمال همواجی وجود دارد.

اینکلاس و زول (2005: 197) چهار معیار برای طبقه‌بندی نظریه کپی‌سازی واجی و نظریه تکرار صرفی معرفی کرده‌اند:

۱. در کپی‌سازی واجی، هدف واج‌شناختی است؛ در حالی که در نظریه تکرار صرفی، هدف ساخت‌واژی است.

۲. نظریه کپی‌سازی واجی از نظر واجی، «مجاورمدار»^۴ است، یعنی درون‌دادهای هم‌جوار و همگون‌اند؛ در حالی که این حالت در مورد نظریه تکرار صرفی صدق نمی‌کند.

۳. رویکرد کپی‌سازی واجی بر واحدهای واجی^۵ عمل می‌کند و تکرار صرفی بر سازه‌های صرفی.

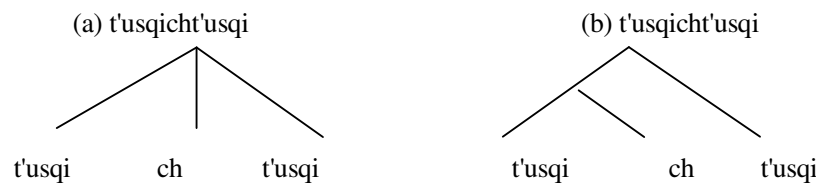
۴. در نظریه کپی‌سازی واجی، همانندی واجی مطرح است و در رویکرد تکرار صرفی، همانندی معنایی.

۳-۲. تکواژ تهی‌ازمعنی در تکرار

گاهی در برخی از ساخت‌های مکرر در بعضی از زبان‌ها، تکواژی در ساخت مشاهده می‌شود که معمولاً یا نقش پیونددهنده^{۱۶} در میان دو قسمت تکرار شده را دارد و یا به دلیل رعایت ضرورت واجی موجود در ساخت تکرار- که خاص آن زبان است- ظاهر می‌شود. اینکلاس و زول (2005: 37) به نقل از هاردمن^{۱۷} (۲۰۰۰)، نمونه‌ای از تکرار کامل در زبان جاکورا^{۱۸} را آورده‌اند:

1.t'usqi- ch- t'usqi «سبب گردوغبار زیاد شدن»

نمونه یادشده به شکل نمودار زیر نشان داده می‌شود:



نمودار ۳. تکواژ تهی‌ازمعنی در نظریه تکرار صرفی (Inkelas & Zoll, 2005: 37)

Chart 3. The empty morph in terms of semantically in morphological reduplication theory (Inkelas and zoll, 2005:37)

در نمودار (۳)، عناصر تکرار به همراه رابط تهی‌ازمعنی مشاهده می‌شود. اگر این تکواژ «رابط» با یکی از عناصر تکرار، یک سازه صرفی بسازد، موجب نقض همسانی واجی میان درون‌دادها می‌شود؛ مانند نمودار (b) که فقط از دید نظریه تکرار صرفی قابل توجیه است. ولی اگر این تکواژ تهی‌ازمعنی به منزله درون‌داد سوم قلمداد شود، دیگر همسانی واجی به هم نمی‌خورد، مانند نمودار (a).

۳-۳. بازنوشت موزون

در نظریه تکرار صرفی، ناهمگونی یکی از عناصر تکرار رایج است. اینکلاس (۲۰۰۸) این فرایند را تکرار پژوهی می‌نامند. این نوع تکرار را که الدرتی و همکاران^{۱۹} (۱۹۹۹) و مکاریتی و پرنس

(۱۹۸۶) از آن به نام بازنوشت موزون^{۲۰} یاد می‌کنند، به معنی «x» و نظایر آن است. آن‌ها این فرایند را نوعی وندافزایی قلمداد می‌کنند. اینکلاس و زول (2005: 43) معتقدند این ساخت کاملاً آسیایی است و در زبان‌های فارسی، ترکی، ارمنی و ابخازی دیده می‌شود. آنچه از دیدگاه آن‌ها وندافزایی تلقی می‌شود، در نظریه تکرار صرفی مشابه و معادل تکواژ تهی‌ازمعنی است؛ مانند جانشینی «m» در زبان ترکی: «kitab-mitab» به معنای «کتاب و نظایر آن» و در زبان ارمنی: «pətuṣ-mətuṣ» به معنای «میوه و مانند آن» (Vaux, 1998: 246). (ووکس، ۱۹۹۸: ۲۴۶). در این ساخت‌ها، هجاهای درون‌داد و برون‌داد برابر است.

۳-۴. جایگزینی لایه‌ای

در جایگزینی لایه‌ای^{۲۱}، تعدادی مشخصات ویژه مانند واکه‌های پایه جایگزین واکه دیگر می‌شود. برای نمونه در زبان امله^{۲۲}، واکه‌های /u/ جانشین واکه /a/ در پایه می‌شوند (Roberts, 1991: 135)؛ مانند:

«از هم جدا کردن» → bala-bulu-do? «گسستن» 2.bala-do?

همان طور که موضوع اصلی نظریه تکرار صرفی همسانی معنایی است، در این نمونه‌ها نیز تغییر واجی هیچ تغییری در معنی به وجود نمی‌آورد (نک غفاری، ۱۳۹۰: ۴۲-۴۹).

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش، انواع فرایند تکرار کامل در زبان فارسی بر اساس نظریه تکرار صرفی تحلیل و از هر یک از انواع تکرار کامل، مطابق الگوهای ساختاری اینکلاس و زول (۲۰۰۵)، یک یا دو مورد برای نمونه ارائه می‌شود. اینک به انواع فرایند تکرار کامل بر مبنای نظریه تکرار صرفی اینکلاس و زول (۲۰۰۵) و بر اساس دسته‌بندی حیدرپور (۱۳۹۰) می‌پردازیم:

۴-۱. انواع فرایند تکرار کامل بر مبنای نظریه تکرار صرفی

۴-۱-۱. فرایند تکرار کامل

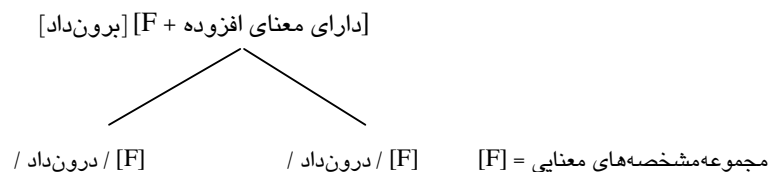
این فرایند را می‌توان نوعی ساخت ترکیبی دانست. سازه‌ای که تحت عملکرد فرایند تکرار کامل

قرار می‌گیرد، به انواع نوافزوده، افزوده و پژواکی تقسیم می‌شود.

۴-۱-۱. فرایند تکرار کامل نوافزوده

تکرار کامل نوافزوده در همه زبان‌ها الگویی بی‌نشان به‌شمار می‌رود. در این الگو، رابطه همسانی واجی کامل بین عناصر تکرار برقرار است (خان‌جان و علی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۲۱). در زبان فارسی، مجموعه‌واژه‌هایی که با فرایند تکرار کامل نوافزوده ساخته می‌شوند، به مقوله‌های متفاوتی از قبیل اسم، صفت، قید، صوت، اسم صوت/ نام‌آوا، ستاک حال فعل و عدد و به ساخت‌های نحوی‌ای مانند گروه و جمله تعلق دارند. به‌طور کلی این فرایند مفاهیم شدت، انبوهی، تداوم، تأکید، کثرت، توزیع، تدریج، بیان حالت، بی‌نظمی و آشفتگی و غیره را به‌پایه می‌افزاید؛ مانند بزَن‌بزن، بچاپ‌بچاپ، بگیربگیر، ببرببر (اسم)؛ قیمة‌قیمة، ریش‌ریش، لاخت‌لاخ (صفت)؛ آهسته‌آهسته، لرزان‌لرزان، لَمحه‌لَمحه، ذره‌ذره، کیسه‌کیسه، پروپرو، بریده‌بریده، کورمال-کورمال (قید)؛ های‌های، به‌به، آخ‌آخ، وای‌وای، زه‌زه، کیش‌کیش (صوت)؛ شُرشر، تَلَب‌تَلَب، پت‌پت، وزوز، تق‌تق، فش‌فش، چاوچاو، جیرجیر، قارقار (اسم صوت)؛ چَرچَر، نال‌نال، کاوکاو (ستاک حال فعل)؛ هزارهزار، یکیک، دودو، ده‌ده‌تا، سه‌تسه‌تا، یکان‌یکان (عدد)؛ پاورچین‌پاورچین، نوک‌پانوک‌پا (گروه) و منم‌منم، چه‌کنم‌چه‌کنم (جمله) (شقاقی، ۱۳۷۹: ۵۲۵).

همان‌گونه که در بخش مبانی نظری ذکر شد، نظریه تکرار صرفی الگوی بنیادین زیر را برای ساختار تکرار به‌شکل نمودار (۴) نمایش می‌دهد. در این الگو، دو ساخت خواهر که مشخصه‌های صرفی-معنایی مشابهی دارند، با هم ترکیب می‌شوند تا مؤلفه معنایی بزرگ‌تری را برای عنصر مادر به‌دست دهند؛ لیکن ضرورتی برای شباهت واجی این ساخت‌ها وجود ندارد (Inkelas & Zoll, 2005: 7).



نمودار ۴. الگوی ساخت تکرار در نظریه تکرار صرفی

Chart 4. Pattern of reduplication construction in morphological reduplication theory

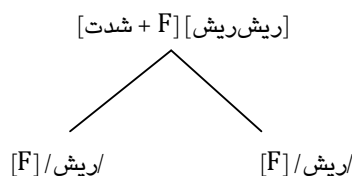
در این الگوی تکرار به نمونه زیر توجه کنید:

اسم + اسم ← صفت

قیمه‌قیمه، ریش‌ریش، لاخ‌لاخ

نمونه‌ای از انگاره ساختاری این فرایند را که برون‌داد آن صفت است، می‌توان به صورت

زیر ترسیم کرد:



نمودار ۵. انگاره ساختاری تکرار صفت

Chart 5. Structural model of adjective reduplication

در این الگوی تکرار، هیچ فرایند آوایی / واجی در پایه صورت نمی‌گیرد؛ اما گاهی در واژه‌های مکرر حاصل، به لحاظ معنایی و مقوله‌ای تغییراتی مشاهده می‌کنیم. در بعضی موارد نیز معنای واژه مکرر ربطی به معنای عناصر تکرار ندارد و معنایی کاملاً جدید و متفاوت ایجاد شده است. برای مثال، در واژه مکرر «ریش‌ریش»، مقوله پایه از اسم به صفت مرکب تغییر یافته و از نظر معنایی نیز با توجه به کاربرد آن متفاوت است؛ در جمله «سرآستین کتش رفته بود و پارگی آن ریش‌ریش شده بود و توی چشم می‌زد» (نجفی، ۱۳۷۸: ۲ / ۷۹۹-۸۰۰)، واژه ریش-ریش به معنی تارهایی است که بر اثر فرسودگی یا پارگی آویزان باشد؛ بنابراین معنای ترکیب کاملاً آشکار و شفاف است. اما در جمله «اشک می‌ریخت مثل ابر بهار، من دلم ریش‌ریش می‌شد»، واژه ریش‌ریش به معنی مجروح، پاره‌پاره و شرحه‌شرحه است که در بافت معنای استعاری از آن استنباط می‌شود. در این الگو، واژه مکرر «ریش‌ریش» چه در معنای اصلی و چه در معنای استعاری، به مفهوم شدت اشاره می‌کند.

از آنجا که اینکلاس و زول (2005: 13) بر اساس رویکرد معنی‌شناسی، معنای برون‌داد را از معنای تصویرگونه تا معنای اصطلاحی و استعاری متغیر می‌دانند، این گونه موارد نیز

به عنوان تکرارهایی با معانی استعاری و اصطلاحی قابل توجیه است.

اسم صوت / نام آواها به دلیل ارتباط مستقیم، عینی و تقلیدگونه با مصداق یا مرجع آن در جهان واقعیت، حاصل تعامل دو اصل تصویرگونگی^{۲۳} و بسط معنایی است؛ زیرا ساختار این عناصر اغلب از تکرار اصوات طبیعت یا حیوانات ساخته می شود (شریفی، ۱۳۸۵: ۱۶۸). در این الگو، هر دو جزء به تنهایی فاقد معنی اند، ولی در مجاورت هم، یکی از مفاهیم تکرار را منتقل می کنند؛ مانند شُرْشُر و چاوچاو که هر دو جزء بدون معنی هستند، اما کل ترکیب معنادار و به ترتیب به معنای «باران شدید» و «ناله و زاری» است. کاربرد برخی از واژه های مکرر مخصوص سبک محاوره ای^{۲۴} و عامیانه زبان فارسی است^{۲۵}.

۴-۱-۱-۲. فرایند تکرار کامل افزوده

در فرایند تکرار کامل افزوده، علاوه بر دو پایه مکرر، تکواژی دستوری در بین دو عنصر خواهر حضور دارد که در میان دو پایه یا پس از پایه دوم قرار گرفته است. با توجه به جایگاه این تکواژ دستوری، فرایند تکرار کامل افزوده را می توان به انواع میانی و پایانی تقسیم کرد که هر یک از آن ها انواع مختلف با کاربردها و ساختارهای متفاوت دارد.

۴-۱-۲-۱. فرایند تکرار کامل افزوده میانی

در این فرایند، تکواژ دستوری پس از پایه قرار می گیرد و صورت مکرر بعد از آن می آید. در فرایند تکرار کامل افزوده میانی، با استفاده از حرف های اضافه «به، در، تو، تا، اندر»، واژه بست «- و /-O/»، بیناوند «وا /vâ/، - /-â/» و تکرار پایه واژه های جدید ساخته می شود. مانند روز- به روز، لنگه به لنگه، خود به خود، گاه به گاه، رودر رو، دست در دست، تودرتو، پی در پی، شیرتوشیر، خرتوخر، شاخ توشاخ، چشم توچشم، گوش تاگوش، سرتاسر، دورتادور، خراب اندر خراب، نسل- اندر نسل، پشت اندر پشت، مین (و) مین، های (و) های، فرت (و) فرت، هین (و) هن، جرواجر، شور- واشور، رنگ وارنگ، جورواجور، تنگاتنگ، یکایک، گوناگون، گرماگرم و گرداگرد (شقاقی، ۱۳۷۹: ۵۲۶).

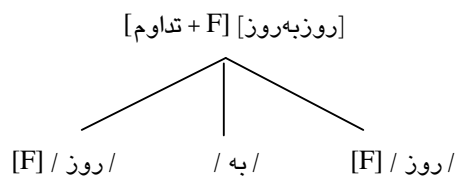
معنای حاصل از این الگو می تواند تداوم، تداخل، تقابل، شمولیت و فراگیری، توالی، شدت، تنوع، آشفته گی و بی نظمی، بیان حالت و توزیع را بیان کند و مقوله های اسم، صفت و قید را دربر

گیرد. نمونه‌ای از این الگوی تکرار بدین قرار است:

اسم + حرف اضافه «به» + اسم ← قید

روزبه‌روز، لنگه‌به‌لنگه، دربه‌در

نمونه‌ای از انگاره ساختاری این فرایند در نظریه تکرار صرفی در نمودار (۶) آمده است:

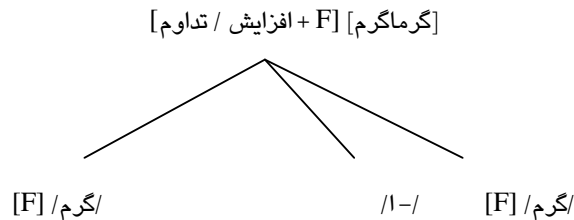


نمودار ۶. انگاره ساختاری تکرار همراه با تکواژ دستوری «به / be /»

Chart 6. Structural model of reduplication with grammatical morph ‘/be/’

در این انگاره ساختاری، برای تکواژ دستوری «به / be /» جایگاه مستقلی در نظر گرفته شده است؛ زیرا نمی‌توان آن را به یکی از عناصر درون‌داد نسبت داد. در این الگو، شکل‌گیری تکرار کامل افزوده میانی-علاوه بر نقض معیار مجاورت- به لحاظ یکسان بودن معنای عناصر در دو طرف تکواژ دستوری، مؤید همسانی معنایی در نظریه تکرار صرفی است؛ لذا رویکرد صرفی تحلیل مناسب‌تری از آن به دست می‌دهد.

در مبانی نظری به این موضوع پرداخته شد که در نظریه تکرار صرفی، یکی از مواردی که باعث تغییر در ساختار واجی یک یا هر دو عنصر و نیز نقض همسانی واجی می‌شود، وجود تکواژ تهی‌ازمعنی در تکرار است که معمولاً یا نقشی پیونددهنده دارد و یا به دلیل رعایت ضرورت واجی موجود در ساخت تکرار، که خاص آن زبان است، ظاهر می‌شود. نمونه‌ای از این تکواژها- که عموماً در ساخت‌های تکرار در زبان فارسی به کار می‌روند- تکرار کامل افزوده میانی است، با این تفاوت که در فارسی ایجاد معنی می‌کنند و به این ترتیب در تضاد با نظریه تکرار صرفی قرار می‌گیرند. در این الگو نیز از بعضی از واژه‌های مکرر، مفهوم اصطلاحی و استعاره‌ای استنباط می‌شود. نمونه‌ای دیگر از این الگوی تکرار را در نمودار (۷) آورده‌ایم:



نمودار ۷. انگاره ساختاری تکرار همراه با بیناوند «ا- / گرم»

Chart 7. Structural model of reduplication with infix 'a-/'

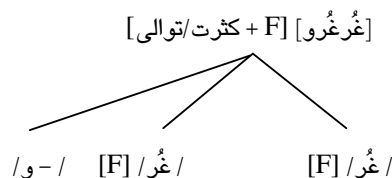
۴-۱-۲-۲. فرایند تکرار کامل افزوده پایانی

در این الگوی تکرار، عنصر مکرر بعد از پایه قرار می‌گیرد و برون‌داد به یک تکرار اشتقاقی ختم می‌شود. پسوندهایی که در ساخت چنین واژه‌هایی استفاده شده‌اند، عبارت‌اند از «ان-ک-»، «کی-و-ی-ه-» که به پایه دوم افزوده می‌شوند (شقاقی، ۱۳۷۹: ۵۲۶-۵۲۷). مانند خوش-خوشان، غلط‌غلطان، لرزله‌لرزان، خندخندان، نازنازان، روروک، نم‌نمک، جیرجیرک، خوش‌خوشک، نرم‌نرمک، بادبادک، زیرزیرکی، راست‌راستکی، هول‌هولکی، زورزورکی، غُرغُر، هاف‌هافو، لق-لقو، نق‌نقو، جیغ‌جیغو، خال‌خالی، خط‌خطی، چل‌چلی، کُرکُر، فرفری، جغجغه، چهچهه، وروره، سرسره و فش‌فشه. مقوله‌های واژه‌های مکرر در این فرایند اسم، صفت و قید هستند و برای بیان مفهوم حالت، تصغیر، شدت، کثرت، توالی و غیره به‌کار می‌روند. نمونه‌ای از این الگو عبارت است از:

اسم + اسم + و ← صفت

غُرغُر، نق‌نقو، جیغ‌جیغو

نمودار (۸) نمونه‌ای از انگاره ساختاری این فرایند را نشان می‌دهد:



نمودار ۸ انگاره ساختاری پسوند «-و / -u»

Chart 8. Structural model of suffix ‘-u’

در این فرایند، هم‌زمان با تکرار پایه، پسوند «-و / -u» به واژه مکرر اضافه شده و این عنصر دستوری معنایی را بر واژه مکرر افزوده است؛ برای مثال، واژه غُر در تکرار کامل ناافزوده، تبدیل به واژه مکرر غُرُغُر می‌شود، اما در تکرار کامل افزوده پایانی، معنای پسوند «-و / -u» به آن افزوده شده، در معنی صفت فاعلی به‌کار می‌رود (آن‌که برای اظهار ناخشنودی بسیار غرغر می‌کند). (معین، ۱۳۷۵: ۲/ ۲۴۰۲).

در فرایند تکرار کامل افزوده پایانی (علاوه‌بر اینکه در چهارچوب نظریه تکرار صرفی قابل تحلیل است) درون‌دادها در مجاورت هم قرار دارند، بنابراین نظریه کپی‌سازی واجی از عهده توصیف آن برمی‌آید.

۴-۱-۳. فرایند تکرار کامل پژواکی

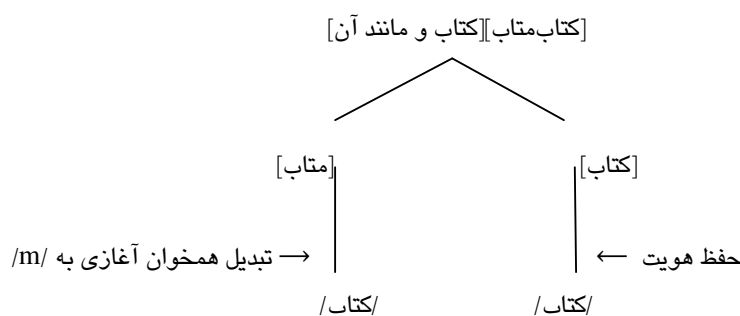
تکرار کامل پژواکی نوعی از فرایند تکرار کامل است که جزء مکرر همیشه هم‌وزن پایه، اما بی-معنی است. در زبان فارسی، فرایند تکرار کامل پژواکی بر دو نوع است: الف) تغییر همخوان آغازی پایه؛ ب) تغییر واکه (ها)ی پایه (حیدرپور، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

۴-۱-۳-۱. تغییر همخوان آغازی پایه

در این الگوی تکرار، فقط همخوان آغازی با کلمه پایه تفاوت دارد و وند مکرر یا صورت حاصل از تغییر همخوان آغازی بعد از کلمه پایه می‌آید. مانند بچه‌مچه، لباس‌مباس، کژمژ، بازی‌مازی، چیزمیز، شلوغ‌پلوغ، شیله‌پیله، تنه‌پته. در این داده‌ها، همخوان /m/ یا /p/ جانشین همخوان آغازی کلمه پایه می‌شود و سایر اجزا بدون تغییر باقی می‌مانند. در این ساخت، هجاهای

درون‌داد و برون‌داد باید از لحاظ تعداد برابر باشند. اگر کلمه پایه با /m/ آغاز شود، جزء مکرر الزاماً با /p/ شروع می‌شود؛ مانند میوه‌پیوه، ماشین‌پاشین، مرغ‌پرغ، میخ‌پیخ. این تنها محدودیت این جزء مکرر است.

انگاره واجی تکرار کامل پژواکی /m/ به شکل زیر ترسیم می‌شود:



نمودار ۹. انگاره واجی تکرار کامل پژواکی /m/

(برگرفته از غفاری، ۱۳۹۰: ۹۱)

Chart 9. Phonological pattern of total echoic reduplication ‘/ m/’

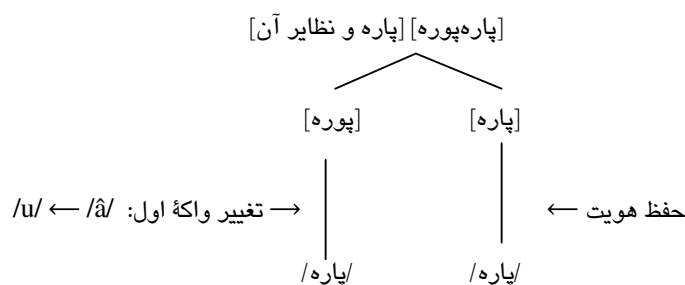
از آنجا که ویژگی مهم نظریه تکرار صرفی برقراری همسانی معنایی میان خواهرهاست، در نمودار (۹)، ابتدا دو خواهر به صورت ستاک کامل در درون‌داد انگاره واجی قرار می‌گیرد و شرط همسانی معنایی رعایت می‌شود؛ سپس هم‌واجی‌های مربوط به هر یک از آن‌ها تغییرات را انجام می‌دهد. همان طور که در واژه «کتاب‌متاب» مشاهده می‌کنیم، خواهر اول مقید به هم‌واجی حفظ هویت است، اما در خواهر دوم، همخوان آغازی تبدیل به /m/ شده است؛ بنابراین به شکل «متاب» درآمده و در نهایت در برون‌داد به صورت «کتاب‌متاب» ظاهر شده است. معنی و مفهوم این نمونه در اسم‌ها، مبین نظایر و مشابه پایه است و در صفت‌ها، تشدید و تأکید مفهوم پایه را تداعی می‌کند.

همان گونه که در میانی نظری به آن اشاره شد، تکرار از دیدگاه کپی‌سازی واجی با یک جزء مکرر شکل می‌گیرد و این جزء مشخصات عنصر مجاورش را کپی می‌کند. یکی از نظریه-

های موجود در کپی‌سازی واجی نظریه مطابقت پایه و جزء مکرر است. این مطابقت باید از لحاظ واجی باشد؛ از این رو، تکرار کامل پژواکی از طریق کپی‌سازی واجی نیز قابل تبیین است.

۲-۳-۱-۴. تغییر واکه(ها)ی پایه

نوع دیگری از تکرار کامل پژواکی در نتیجه تغییر در واکه (ها)ی پایه تولید می‌شود و صورت تغییر یافته یا وند مکرر بعد از پایه قرار می‌گیرد. مانند پاره‌پوره، چاله‌چوله، های‌هوی، دالامب-دولومب، هله‌هوله، خرت‌وخورت، نق‌ونوق، دامبول‌دیمبول، قیژوقوژ. انگاره واجی تکرار کامل پژواکی تغییر واکه‌ای را به شکل زیر نمایش می‌دهیم:



نمودار ۱۰. انگاره واجی تکرار کامل پژواکی تغییر واکه‌ای

(برگرفته از غفاری، ۱۳۹۰: ۱۰۰)

Chart 10. Phonological pattern of total echoic reduplication by vowel changing

۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، داده‌هایی از زبان فارسی در سه زیرگروه فرایند تکرار کامل نوافزوده، تکرار کامل افزوده و تکرار کامل پژواکی در چهارچوب نظریه تکرار صرفی بررسی شد. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که بر اساس معیارهای چهارگانه اینکلاس و زول (۲۰۰۵)، تکرار الزاماً کپی-سازی واجی نیست، بلکه استفاده از هر دو سازوکار واجی و صرفی-معنایی لازم است. همچنین مشاهده کردیم که در تکرار کامل نوافزوده، نتیجه حاصل مؤید فرضیه این پژوهش در

شکل‌گیری تکرار در چهارچوب این نظریه است؛ فقط در برخی موارد، معنای واژه مکرر ربطی به معنای عناصر تکرار ندارد و معنای کاملاً جدید و متفاوت ایجاد شده است. مانند ریش‌ریش که علاوه بر معنای آشکار و شفاف در بافت، معنایی استعاری نیز دارد. علی‌رغم اینکه واژه مکرر ریش‌ریش در بافت، در معنای شفاف و غیرشفاف ظاهر شده است، ولی در هر دو صورت، مفهوم شدت را تداعی می‌کند. از آنجا که اینکلاس و زول (۲۰۰۵) بر اساس رویکرد معنی‌شناسی، معنای برون‌داد را از معنای تصویرگونه تا معنای استعاری و اصطلاحی متغیر می‌دانند، این‌گونه موارد به‌عنوان تکرارهایی با معنای استعاری و اصطلاحی، توجیه‌پذیر است. در رویکرد تکرار صرفی، تکواژ دستوری به‌عنوان ناقض همسانی واجی در رویکرد کپی-سازی واجی قلمداد می‌شود، ولی از لحاظ یکسان بودن معنای عناصر در دو طرف تکواژ دستوری، مؤید همسانی معنایی در نظریه تکرار صرفی است. لذا رویکرد صرفی تحلیل مناسب-تری از آن به‌دست می‌دهد.

با توجه به اینکه در رویکرد تکرار صرفی اینکلاس و زول (۲۰۰۵)، تکواژ تهی‌ازمعنی سبب تغییر ساختار واجی و نقض همسانی واجی می‌شود، اما نمونه‌ای از این موارد در ساخت‌های تکرار کامل افزوده میانی در زبان فارسی یافت می‌شود؛ با این تفاوت که این تکواژها در فارسی دارای معنی هستند و به معنی برون‌داد، مفهومی را می‌افزایند. به این ترتیب در تضاد با نظریه تکرار صرفی قرار می‌گیرند.

فرایند تکرار کامل افزوده پایانی نیز به‌دلیل همجواری درون‌دادها در هر دو سازوکار واجی و صرفی-معنایی قابل توصیف است.

در فرایند تکرار کامل پژواکی، هر چند عنصر مکرر فاقد معنی است، اما کل ساخت به مفهوم «نظایر آن» تعبیر می‌شود؛ بنابراین از نظر معنایی با عنصر پایه همسان و بر مبنای ویژگی‌های صرفی-معنایی توجیه‌پذیر است. یکی از نظریه‌های موجود در کپی‌سازی واجی، نظریه مطابقت پایه و جزء مکرر است. این مطابقت باید از لحاظ واجی باشد، از این رو، تکرار کامل پژواکی از طریق کپی‌سازی واجی نیز تبیین می‌شود. در نهایت می‌توان گفت که انواع فرایند تکرار کامل در چهارچوب نظریه تکرار صرفی توصیف می‌شود و این در حالی است که فقط تکرار جزئی پیشوندی و پسوندی با استفاده از رویکرد کپی‌سازی واجی قابل تحلیل است؛ بر این اساس، نظریه تکرار صرفی کارآمدتر از نظریه کپی‌سازی واجی است.

بر اساس شواهد و نتایج این پژوهش، می‌توان در مورد فرایند تکرار به دیدی جهان‌شمول رسید و از این رهگذر از دیدگاه رده‌شناسی زبان، زبان‌های دیگر را در گروه‌های مختلف دسته‌بندی کرد.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. phonological copying theory (PCT)
2. morphological doubling
3. partial reduplication
4. total reduplication
5. echo- reduplication
6. empty morph
7. base reduplicant correspondence theory (BRCT)
8. J. McCarthy & A. Prince
9. mora
10. P. H. Mathews
11. A. Spencer
12. morphological phonology
13. cophonology
14. proximity
15. phonological segments
16. linker
17. Hardman
18. Jaqura
19. Alderete et al.
20. melodic overwriting
21. tier replacement
22. Amele
23. iconicity
24. colloquial

۲۵. لازم به ذکر است تکرار کاملی که از پیوستن دو جزء بی‌معنی حاصل می‌شود، مانند هیروویر، داداردودور و غیره، مقوله‌ای مجزاست که پژوهش مستقلی را طلب می‌کند. این تکرار باید ریشه‌شناسی شود تا معلوم شود که از کدام زبان یا گویش وارد زبان فارسی شده و حاصل معنی چگونه به‌دست آمده است. نگارندگان در این پژوهش به آن نپرداخته‌اند و در آینده به آن اهتمام خواهند ورزید.

۷. منابع

- امینی، رضا (۱۳۹۳). «دوگان‌سازی در زبان ترکی». *جستارهای زبانی*. د ۵. ش ۳. صص ۲۷-۵۴.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی*. تهران: فاطمی.
- حیدرپور بیدگلی، تهمینه (۱۳۹۰). «فرایند تکرار در زبان فارسی از دیدگاه نظریه بهینگی». رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- خان‌جان، علی‌رضا و بتول علی‌نژاد (۱۳۸۹). «تحلیلی بر فرایند مضاعف‌سازی کامل در زبان فارسی بر مبنای نظریه دوگان‌سازی ساخت‌واژی». *زبان و زبان‌شناسی*. س ۶. ش ۱. صص ۱۱۸-۱۳۶.
- سلندری رابری، مرادعلی و دیگران (۱۳۹۵). «تکرار به مثابه دوگان‌سازی صرفی: شواهدی از زبان فارسی». *جستارهای زبانی*. س ۷. ش ۳۳. صص ۹۱-۱۱۸.
- شریفی‌مقدم، آزاده (۱۳۸۵). «پژوهشی پیرامون تصویرگونگی در واژگان و عناصر صرفی-نحوی زبان فارسی». رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- شقاقی، ویدا (۱۳۷۹). «فرایند تکرار در زبان فارسی». *مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. ج ۱. صص ۵۱۹-۵۳۳.
- ——— و تهمینه حیدرپور بیدگلی (۱۳۹۰). «رویکرد نظریه بهینگی به فرایند تکرار با نگاهی بر واژه‌های مکرر فارسی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. س ۳. ش ۱. صص ۴۵-۶۶.
- غفاری، حامد (۱۳۹۰). «فرایند تکرار در زبان ترکی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان-شناسی همگانی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- کلباسی، ایران (۱۳۷۱). *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*. چ ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گلفام، ارسلان و غلام‌رضا محبی‌الدین قمشه‌ای (۱۳۹۱). «تصویرگونگی دوگان‌ساخت‌ها در زبان فارسی: طبقه‌بندی معنایی». *جستارهای زبانی (پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی سابق)*. د ۳. ش ۱. صص ۱۵۳-۱۷۲.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۴۹). *دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی*. تهران: مؤسسه شرق.

- معین، محمد (۱۳۷۵). *فرهنگ معین*. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸). *فرهنگ فارسی عامیانه*. تهران: نیلوفر.
- نوبهار، مهرانگیز (۱۳۷۲). *دستور کاربردی زبان فارسی*. تهران: رهنما.
- همایون‌فرخ، رکن‌الدین (۱۳۳۹). *دستور جامع زبان فارسی*. چ ۲. تهران: علمی.

References:

- Alderete, J et al. (1999). "Reduplication with fixed segmentism". *Linguistic Inquiry*. 30. Pp 64- 327.
- Amini, R. (2014). "Doubling in Turkish language". *Language Related Research*. Vol. 5. No.3, Pp. 27-54. [In Persian].
- Anvari, H. & H. Ahmadi Givi (1991), *The Persian Grammar*. Tehran: Fatemi. [In Persian].
- Ghafari, H. (2011). *Reduplicating Process in Turkish Language*. M.A thesis in General Linguistic. Persian Literature and Foreign Languages Faculty. Tehran: Allameh Tabataba'i. [In Persian].
- Ghaniabadi, S. (2005). "M/p-echo reduplication in colloquial Persian: an OT analysis". *First International Conference on Aspects of Iranian Linguistics*. Max Planck Institute for Evolutionary Anthropology: Leipzig, Germany.
- Ghaniabadi, S. ; J. Ghomeshi & N. Sadat-Tehrani (2006), "Reduplication In Persian: A morphological doubling approach" in Claire Gurski & Milica Radisic (eds.), *Proceedings of the 2006 annual Conference of Canadian linguistic Association*. Pp 1-15.
- Golfam, A. & G. Mohiedin Ghomsheyei (2012), "The doublings iconicity In Persian language: Semantic division". *Language Related Research (Language Research Quarterly Periodical and Comparative Literature)*. 1.Pp. 153-172. [In Persian].
- Hardman, M. J. (2000). *Jaqaru. Languages of the world/materials 183*. Munich:

Lincom Europa.

- Heidarpour Bidgoli, T. (2011). *Reduplication In Persian Language in the Framework of Optimality Theory*. PhD Dissertation in General Linguistic. Persian Literature and Foreign Languages Faculty .Tehran: AllamehTabataba'I University [In Persian].
- Homayoon Farrokh, R. (1960). *The comprehensive Persian Language Grammar* (Vol. 2). Tehran: Elmi. [In Persian].
- Inkelas, S. & C. Zoll (2005), *Reduplication: Doubling in Morphology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ----- (2008). "The dual theory of reduplication". *Linguistics*. 46: Pp351-401.
- Kalbasi, I. (1992). *The Derivational Structure of Word in Today Modern Persian* (Vol. 1). Tehran: Institute for Humanities and cultural Studies. [In Persian].
- Khanjan, A. R. & B. Alinejad (2010), "Total reduplication In Persian based on Morphological Doubling Theory". *Association of Iranian Linguistics Magazine and Language*. 6(1).Pp.118- 136. [In Persian].
- Marantz, A. (1982). "Reduplication". *Linguistic Inquiry*. 13.Pp. 483-545.
- Mashkoor, M. J. (1970). *Instruction in Persian Morphology and Syntax*. (The Ninth Print: 1976). Tehran: Shargh. [In Persian].
- Mathews, P. H. (1991). *Morphology*. 2nd ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- McCarthy, J. & A. Prince (1986), *Prosodic Morphology*. Unpublished ms, University of Massachusetts, Amherst and Brandeis University.
- ----- (1995), *Faithfulness and reduplicative identity*. In Jill Beckman, Laura Dickey and Suzanne Urbanczyk (eds), University of Massachusetts Occasional Papers in Linguistics 18: Papers in Optimality Theory. Amherst, MA: GLSA.Pp 249-384.
- Najafi, A. (1999). *Vulgar Persian Dictionary*. Tehran: Niloofar. [In Persian].

- Nobahar, M. (1993). *The Persian Language Applied Grammar*. Tehran: Rahnama. [In Persian].
- Roberts, J. (1991). "Reduplication in Amele". *Papers in Papuan Linguistics*. 1: Pp46- 115.
- Salandri Rabori, M. A. & A. Rafei. & B. Alinejad (2016), "Reduplication as morphological doubling". *Language Related Research*. Vol. 7. Tome 33. Pp. 91-118. [In Persian].
- Shaghaghi, V. & T. Heidarpour Bidgoli (2011), "Optimality theory approach to reduplication process with a view on the repeated Persian words". *Journal of the Linguistic Research*. Vol. 1. Pp.45-66. [In Persian].
- ----- (2000). "Process of repetition In Persian language". *The fourth Conference Compilation Applied and Theoretical Linguistics*. Tehran: Allameh Tabataba'i. Vol. 1. Pp: 519-533. [In Persian].
- Sharifi Moghaddam, A. (2006). *Research on Iconicity in Vocabulary and Inflectional Elements*. Ph.D Dissertation in General Linguistic. Persian Literature and Foreign Languages Faculty. Tehran: Allameh Tabataba'i University. [In Persian].
- Spencer, A. (1991). *Morphological Theory: An Introduction to Word Structure in Generative Grammar*. Oxford: Blackwell.
- Vaux, B. (1998). *The Phonology of Armenian*. Oxford: Clarendon Press.